



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.



منارعه ایران و اسرائیل: آزمونی برای نقش‌پکن در منطقه

نگرانی‌ها در مورد توافق ایران و عربستان سعودی باعث شده‌است تا زنگ هشدار در پکن به صدا درآید. دو عامل هم‌افزا باعث نگرانی چین می‌شود. نخست اینکه انگیزه استراتژیک ایران در اقدام انتقالی ایجاد یک پارادایم جدید بود تا در جنگ طولانی‌مدت سایه با اسرائیل، سیاست «انکار ممکن» را که در استفاده از گروه‌های نیابتی نهفته‌بود به استراتژی شفافیت‌تبدیل کند. اسرائیل با اقدام متقابل خود خطوط قرمز ایران را سنجید و در عین حال دنبال سازوکارهای جدید امنیتی بود تا آن را با سازوکاری امنیتی که پس از حملات ۷ اکتبر نابود شد، جایگزین کند. پارادایم جدید، اشتباهی ایران و تل‌آویو را برای ریسک‌پذیری افزایش می‌دهد که باعث می‌شود حملات متقابل چشم در مقابل چشم افزایش پیدا کند و سناریوی احتمال رویارویی تمام‌عیار مستقیم‌معتبرتر شود. چنین تقابلی می‌تواند به منطقه خلیج‌فارس گسترش پیدا کند و کشورهای منطقه، به‌ویژه عربستان سعودی را وادار به بازنگری در موضع‌گیری امنیتی کند. آنها ممکن است به این نتیجه برسند که نزدیکی با ایران بی‌پروا، بیشتر باعث مخاطره است تا منفعت. دوره دوم احتمالی ریاست‌جمهوری ترامپ می‌تواند این فرآیند را اشتاب دهد. عامل دوم، پیشرفت‌گند توافق میان ایران و عربستان سعودی بعد از گذشت بیش از یک سال است. این توافق همچنان در مرحله مسائل امنیتی باقی‌مانده است و هنوز به حوزه فرصت‌های اقتصادی و فرهنگی وارد نشده است. عامل اثرگذار دیگر، دیدگاه اسرائیل نسبت به این توافق است که آن را به‌عنوان یک تهدید مستقیم می‌بیند و امیدوار است که از بین برود. اسرائیل این آشتی را به‌عنوان یک بازی با حاصل جمع صفر در مقابل تلاش خودش برای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی می‌بیند، درست همانطور که ایران هم این عادی‌سازی را گامی در راستای ائتلاف عرب-اسرائیلی تحت رهبری آمریکا می‌بیند. مقام‌های اسرائیلی گزارش‌هایی را به رسانه‌ها در دادند که عربستان سعودی و امارات متحده عربی نقش قابل‌توجهی در رهگیری و انهدام موشک‌ها و پهپادهای ایرانی داشتند، هرچند این گزارش‌ها بعداً توسط ابوظبی و ریاض تکذیب شد. برای چین، سناریوی جنگ منطقه‌ای باعث مخاطره برای امنیت انرژی می‌شود و چشم‌انداز پکن برای چارچوب امنیتی جدید در خاورمیانه را از بین می‌برد. یکی از ستون‌های این چشم‌انداز، ایجاد چارچوب گفت‌وگوی منطقه خلیج‌فارس زیرمجموعه ابتکار امنیت جهانی (Global Security Initiative) است. این چشم‌انداز به سادگی می‌تواند تحت تأثیر افزایش تنش در منطقه قرار گیرد. همچنین نتایج تلاش جاه‌طلبانه چین برای کاهش نفوذ آمریکا در کشورهای خلیج‌فارس هم از بین می‌رود. مهم‌ترین درسی که کشورهای حوزه خلیج‌فارس از مداخله ایالات متحده در دفاع از اسرائیل در مقابل حملات ایران دریافت کردند، این بود که وقتی زمان عمل فرا برسد، فقط آمریکا است که ظرفیت این را دارد که به آنها کمک پایدار امنیتی ارائه دهد. درس مهم دیگر این بود که هرچند آمریکا منافعهش را برای دفاع از اسرائیل در خطر انداخت، اما ممکن است برای آنها چنین کاری نکنند. این واقعیت همچنان در ذهن کشورهای حاشیه خلیج‌فارس ثابت ماند که اسرائیل نمی‌تواند صرفاً بر توانایی‌های خود در سناریوی تقابل با ایران تکیه کند. این مسائل برای چین فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای ترویج چهره خود به‌عنوان یک میانجی مسئول در منطقه ایجاد می‌کند. دیدگاه غالب در خلیج‌فارس پس از ۷ اکتبر این است که آمریکا اصلی‌ترین متحد اسرائیل است؛ موضوعی که باعث می‌شود قابل اتکا بودن واشنگتن زیر سؤال برود و انگیزه عربستان برای تعهد به کاهش تنش با ایران افزایش پیدا کند. بی‌اعتمادی به آمریکا همچنین فرصتی برای ایران است تا بهره‌برداری کند و توافقی با عربستان سعودی را از تحولات پرشتاب در مواجهه با اسرائیل جدا کند و به عبارتی دیگر کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را خلع سلاح کند. چپه متحد دیپلماتیکی که کشورهای اروپایی و ایالات متحده بعد از حمله ایران به اسرائیل ایجاد کردند، باعث تقویت روابط ایران با چین و روسیه می‌شود. تحولات اخیر در عین حال نشان داد که چین ابزارهای کمی برای حفاظت از توافق آشتی تهران و کاهش تنش، سیگنال‌های لفظی و تبادل پیام‌بین‌ریاض و تهران انجام دهد. بخشی از این واقعیت به این بر می‌گردد که چین فقط یک تسهیل‌کننده است و یک تضمین‌کننده یا میانجی به معنای غربی.



دیپلمات‌های ایران

عنایت‌الله سمیعی نیز از کارمندان عالیرتبه وزارت امور خارجه بود و سال‌ها ریاست اداره عثمانی این وزارتخانه را در دوران قاجار برعهده داشت. مصطفی سمیعی که در دوره‌های مختلف پهلوی سفارت ایران را در شوروی، بلژیک و آرژانتین بر عهده داشت نیز از اعضای مهم این خاندان بود که در کابینه تیمسار سپهبدفضل‌الله زاهدی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ معاونت وزارت امور خارجه ایران را برعهده داشت. سمیعی از طرف ایران عهدنامه مؤدت و روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و دول متحده آمریکا را امضا کرد. همایون سمیعی عضو دیگر این خاندان نیز سفیرکبیر ایران در لهستان، دانمارک و رئیس اداره امور اقتصادی وزارت امور خارجه بود که در سال ۱۳۵۰ به معاونت وزارت امور خارجه منصوب شد و در سال ۱۳۵۶ به‌عنوان سفیر ایران در افغانستان اعزام شد.

مدبرالدوله از ریاست دفتر رضاخان تا وزارت امور خارجه

عنایت‌الله‌خان مدبرالدوله سمیعی در سال ۱۲۶۷ در رشت به دنیا آمد و تحصیلاتش را در رشت آغاز و در مدرسه سیاسی تهران ادامه داد، سپس به اروپا رفت و پس از پایان تحصیلات در رشته حقوق، به ایران بازگشت و در سال ۱۲۹۳ به استخدام دولت درآمد. مدتی رئیس معارف و اوقاف گیلان بود. بعد از وزارت خارجه مدیر اداره شرق شد و سپس به مدیرکلی وزارت معارف رسید. هنگامی که رضاخان سردار سپه به نخست‌وزیری رسید، ریاست دفتر خود و هیئت وزیران را به او سپرد. سمیعی توانست اعتماد کامل رضاخان را به خود جلب کند و فوق‌العاده طرف مورد اعتمادی بود. در اوایل سلطنت رضاشاه، سمیعی معاون وزارت داخله شد و در اول بهمن ۱۳۰۶ یحیی قراقرزلو که به‌تازگی وزیر معارف کابینه مخبرالسلطنه هدایت شده بود، سمیعی را به‌عنوان معاون خود به مجلس معرفی کرد. ماموریت‌های دیپلماتیک سمیعی با برقراری رابطه با پادشاهی عراق که به‌تازگی از تحت قیمومت بریتانیا خارج شده و استقلال پیدا کرده بود، آغاز شد. نقطه آغاز روابط مابین دو کشور به فروردین ۱۳۰۸ و اعزام هیئت حسن‌نیت از سوی پادشاه عراق به ایران و تقاضای این هیئت جهت برقراری روابط سیاسی با ایران بازمی‌گردد. در پی اعزام این هیئت عراقی بود که این ماموریت به سمیعی سپرده شد که از جهت آنکه عراق در سال‌های بعدی ادعاهای ارضی خود علیه ایران را مطرح کرد دارای اهمیت بود و خود سمیعی نیز در سال‌های بعدی مامور حل و فصل این اختلافات شد و در مقام وزیر امور خارجه نیز درگیر این مسئله شد. دولت عراق که در این زمان تحت حمایت انگلستان قرار داشت، نخست از اواسط سال ۱۳۱۰ با ارسال چندین یادداشت اعتراضی به دولت ایران، ماموران گمرک و نیروی دریایی ایران را متهم به نادیده گرفتن مقررات سازمان بندر بصره و تجاوز به حق حاکمیت عراق در آب‌های اروندرود نموده و سپس در سال ۱۳۱۳ به منظور جلوگیری از اعمال حاکمیت ایران بر اروندرود به جامعه ملل شکایت برد. پس از آنکه جامعه ملل طرفین را به مذاکره مستقیم دعوت نمود، سرانجام در ۱۳ تیر ۱۳۱۶ طی قراردادی که میان دو کشور منعقد گردید، حق کشتی‌رانی در سراسر اروندرود به استثنای پنج کیلومتری از آب‌های آبادان تا خط تالوگ به دولت عراق واگذار شد. سمیعی در نخستین مسئولیت دیپلماتیک خود به‌عنوان وزیر مختار ایران در بغداد منصوب شد و سفارت ایران در عراق را تأسیس کرد و تا بهمن ۱۳۰۹ در بغداد بود.

سمیعی سپس به تهران احضار شد و سرپرستی وزارت تازه‌تأسیس اقتصاد ملی را از محمدعلی فروغی تحویل گرفت. سیاستگذاری وزارت اقتصاد ملی در دست مهدی‌قلی هدایت نخست‌وزیر بود و سمیعی تنها وزارتخانه را اداره می‌کرد. در دوران سرپرستی او، قانون انحصار تجارت خارجی در ششم اسفند ۱۳۰۹ به تصویب مجلس رسید که حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موقتی یا دائمی میزان واردات و صادرات را به انحصار دولت درمی‌آورد. همچنین با تصویب مجلس در شانزدهم خرداد ۱۳۱۰، وزارت اقتصاد ملی به سه اداره تجارت، فلاحت و صناعت تقسیم شد که در رأس هر کدام یکی از معاونان وزیر جای می‌گرفت.

با تقسیم وزارت اقتصاد ملی به سه اداره که همگی زیر نظر نخست‌وزیر اداره می‌شدند، عملاً این وزارتخانه از میان رفت و سمیعی به‌عنوان وزیر مختار ایران به برلن فرستاده شد. او در دوران مأموریتش در آلمان، ریاست هیئت اعزامی ایران به کمیسیون اقتصادی جهان را که زیر نظر جامعه ملل تشکیل شده بود، به عهده گرفت. در سال ۱۳۱۴ دوره وزیرمختاری ایران در عراق را عهده‌دار شد اما پس از مدت کوتاهی به تهران فراخوانده و در فروردین ۱۳۱۵ وزارت امور خارجه را عهده‌دار شد.

تربیت شده و بیشتر در دوران پهلوی خدمت کرده‌اند. حسین سمیعی معروف به ادیب‌السلطنه معروف‌ترین عضو این خاندان است که در دوران اشغال ایران در جنگ جهانی اول در کابینه دولت مهاجرین وزارت داخله را برعهده داشت و بعدها در دوران رضاشاه به وزارت دربار و وزارت امور داخله و ریاست فرهنگستان ایران رسید. او در ابتدا به مدت ۱۵ سال کارمند وزارت امور خارجه بود و برای دو سال نیز سفیر ایران در افغانستان بود. پس از حسین سمیعی ادیب‌السلطنه، عنایت‌الله سمیعی مدبرالدوله مهم‌ترین عضو دیپلمات این خاندان است که از ریاست دفتر رضاخان سردار سپه در دوران نخست‌وزیری وی ترقی خود را آغاز کرد و در سال‌های بعد به سفارت و وزارت رسید و قرارداد مهم معروف به پیمان سعدآباد در دوران وزارت خارجه او تنظیم و امضا شد؛ میرزاابراهیم‌خان مدبرالدوله پدر

پیمان سعدآباد پایه روابط با همسایگان

کارنامه دیپلماتیک خاندان سمیعی از تأسیس سفارت در بغداد تا پیمان عدم تعرض



داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی

خاندان‌های مهم در دوران قاجار و پهلوی نقش مهمی در دیوانسالاری حکومتی داشتند و از آنان در مناصب مختلف حکومتی استفاده می‌شد. خاندان سمیعی از گیلان، یکی از این خاندان‌ها هستند که شخصیت‌های مهم سیاسی و اجتماعی از میان آنها برخاسته است که در سال‌های اخیر امیرهوشنگ ابتهاج و پروفیسور مجید سمیعی جراح معروف خبرساز بوده‌اند و احمد سمیعی‌گیلانی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز از همین خاندان است. اما در این خاندان دیپلمات‌های فراوانی نیز